مجله مطالعات حقوقی پانتا

شماره ۴۲،
دوره دوم،
سال هفتم،
بهار ۱۴۰۱،
صص ۱-۱۰

پیامدهای دنیوی ندامت از منظر قران

زهرا رنجبر[۱]

چکیده

ندامت به معنای پشیمانی و افسوس از جمله موضوعات مهمی است که می تواند شدید و طولانی مدت باشد و هر دو دنیا نادم را گرفتار سازد و می تواند عامل توبه و اصلاح باشد. لذا ندامت مقوله مهمی است که باید تمامی عوامل منتج به آن را از منظر قرآن کریم که صادقانه و کامل به جهت سعادت بشر آن را تبیین نموده است استخراج کرده و مورد تامل و تعمق قرار داد و همچنین پیامدهای برآمده از آن را در دنیا و آخرت کاوید تا ضمن شناخت پیامدها و درک عواقب تلخ و دردناک آن از عوامل ایجاد کننده آن پرهیز نمود. در این تحقیق که به روش توصیفی و تحلیلی با بررسی موردی تفاسیر مهم و برجسته صورت گرفته است سعی شده تا مفهومی جامع از ندامت بررسی و تبیین شوند و همچنین نتیجه و پیامد ندامت در دنیا با توجه به آیات قرآنی و دلایل ادبیاتی و تحلیلی آیات تبیین و تشریح گردد.

کلید واژگان: ندامت، پیامدها، تفسیر قرآن

[۱] حوزه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها شهرستان کامیاران

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

مقدمه

ندامت و حسرت زمانی پدید می آید که انسان نسبت به نادرستی کاری که انجام داده، آگاه می شود و آثار و تبعات زیانبار آن را به چشم می بیند، ولی از آنجایی که قابل تدارک و جبران نیست، در اثر ناتوانی، به چه کنم می افتد و دچار افسوس و دریغ و پشیمانی می شود.

اگر چه انسان پشیمان، انسانی با وجدان بیدار، فطرت سالم و عقل سلیم است، چون توانسته است به تحلیل رفتاری خود بپردازد و به تبیین و تشخیص حق از باطل و درست از نادرست برسد و امکان بازگشت در برخی از موارد فراهم آورد و بخشی از کار باطل و نادرست خود را تصحیح و اصلاح نماید، ولی در بسیاری از موارد، این ندامت سودی ندارد، چرا که باید آثار خطا و اشتباه و گناه خویش را بپذیرد بی آنکه قدرت جبران را بیابد.

بنابراین، لازم است تا انسان عاقل دردرجه اول گرفتارچنین وضعیت غیرقابل تغییر و جبران گام هایی را بردارد تا از افتادن در چنین حالتی پرهیز کند. از این رو بخشی از آموزه های قرآنی به بیان آثار و تبعات دنیوی ندامت پرداخته تا ضرورت پرهیز از آن بیشتر و بهتر درک و معلوم گردد و انگیزه فرد برای پرهیز از عوامل تقویت گردد.

مفهوم شناسی

کلید واژه اصلی این تحقیق کلمه ندامت است.

* ندامت

اهل لغت، ندامت را از ماده «نَدَم» دانسته‌اند. «نَدَم» در لغت به معنی پشیمانی و تأسف است بر چیز فوت و فرصت از دست رفته.[1]

ندامت، همان حسرت خوردن از تغیّر و تحول در رأی و نظر نسبت به چیزی است که از دست رفته است.[2] یعنی گاهی انسان نظر یا عملی دارد که بعد از مدتی به اشتباه بودن و خسران آمیز بودن آن تغییر عقیده می‌دهد و دچار پشیمانی می‌شود. ندامت و پشیمانی، حالت افسوس و دریغ است که بر اثر فوت مقصودی، عارض انسان می‌شود.[3] انصراف و انزجار مطلق نسبت به هر آنچه در مقام نیّت و عمل از وی سرزده است.[4] که در این مدخل مقصود از آن معنای عامّ و کلّی‌اش می‌باشد و از واژه‌هایی چون «ندم»، «لیت»، «ویل»، «یعضُّ» و بعضی از جملات مثل «ناکسوا رؤوسهم عند ربّهم ... » استفاده شده است.[5]

ندامت، ممکن است برای همگان اتفاق بیفتد اما نتیجه و بازخورد آن در همه افراد یکسان نیست. در قرآن هم بازخوردهای مختلفی از سوی نادمین دیده می‌شود. بعضی‌ها از روی غرور ندامتشان را مخفی می‌کردند.

---

[1]- فرشی بنایی، قاموس قرآن، پیشین، ج ۷، ص ۳۸.

۲ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، دارالقلم، بیروت، چاپ اول، ۱٤۱۲ق، ص ۷۹٦، ذیل واژه «ندم».

[3] - شعرانی،محمدقریب، نثر طوبی(دائره المعارف الفاظ قرآن کریم)، تهران، دارالاسلامیه،۱۳۸۰ش، ج۲، ص٤٤٥

[4]- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، چاپ دوم، بیروت، دارالکتب الاسلامیه، ۱٤۳۰ق، ج ۱۲، ص ٦۸.

[5] - هاشمی رفسنجانی و برخی از محققان مرکز فرهنگ ومعارف قرآن، فرهنگ قرآن، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸٤ش.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

[1]برخی فریاد وا حسرتا سر می دهند. [2]برخی در اثر ندامت توبه کرده و استغفار می‌کنند[3]و برخی زمانی دچار ندامت می‌شوند و آن را اظهار می کنند که ندامتشان دیگر سودی ندارد و با پاسخ‌های عتاب آمیزی روبرو می‌شوند. [4]

* نادم

نادم اسم فاعل از «نِدَم» و «ندامه» به معنی پشیمان، شرمسار، خجل، و متاسف است[5]و جمع آن را نادمان، نُدّام و نادمون نیز گفته‌اند. [6]همچنین ذیل آن معانی توبه‌کار و تائب نیز در برخی کتب لغت آمده است. [7]

*حسرت

حسرت در لغت به معنی دریغ، افسوس، تأسف و غصه خوردن از چیزی که از دست رفته[8]، و پشیمانی از آن است. [9]«حسرت به معنای دریغ و افسوس در حقیقت به مفهوم تاسف و غصه خوردن بر چیزی است که از دست رفته است. انسان در این هنگام به جهت از دست دادن چیزی و عدم کاربرد به موقع ویا درست چیزی که از دست رفته پشیمان می شود. »[10]

ناگفته نماند که حسرت به معنای افسوس و دریغ برای از دست دادن چیزی بکار می رود که به نظر ناظر آن امر، محبوب و مطلوب و پسندیده بوده است و از آن جایی که ارتباط تنگاتنگی با پشیمانی دارد می توان گفت که پشیمانی و حسرت بازتاب فرصت های از دست رفته است که نتیجه آن نیز در بسیاری از موارد حزن و اندوه است. [11]قرآن از واژه‌هایی چون «حسرة»، «ویل»، «یالیت»، «یالیتنی»، «ویلتی» و مانند آن برای بیان این مفهوم استفاده شده است.

---

[1] – سوره سبا، آیه ۳۳؛ سوره مائده، آیه ۵۲؛...

[2] – سوره زمر، آیه ٥٦.

[3] – مثل ندامت حضرت یونس که موجب انابه و استغفار وی شد(سوره انبیا، آیه ۸۷) و ندامت ملکه سبا که موجب ایمان وی شد (سوره نمل، آیه ٤٤)

[4] – سوره بقره،آیه ١٦٧؛ سوره مومنون، آیه ۱۰۰؛...

[5] – دهخدا، لغتنامه دهخدا، پیشین، ذیل واژه «نادم».

[6] – همان.

[7] – عمید، حسن. فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ذیل واژه نادم. ١٣٦٣.

[8] – ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، پیشین، ج۲، ص ٤٢.

[9] – راغب اصفهانی، المفردات فی الفاظ القرآن الکریم، پیشین، ص۲۳۵.

[10] – منصوری، خلیل، حسرت و افسوس از نگاه قرآن، سایت پژوهشکده معارف قرآن، دانشنامه موضوعی قرآن.

[11] – همان.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

ندامت پیامدها و عواقبی در دنیا و آخرت دارد که تامل و تعمق در آن پیامدها بهتر می تواند انسان را از گرفتاری به دامهای ندامت حفظ کند. لذا قرآن در برخی موارد به ذکر پیامد ندامت گذشتگان در دنیا پرداخته و در برخی موارد پیامدهای ندامت در آخرت را ترسیم نموده است. و در این خصوص مبحث ندامت در قرآن مبحثی کامل و قاطع است که حجت را بر همگان تمام نموده است. ودراین اثر پیامدهای دنیوی ندامت مورد بحث وبررسی قرار می گیرد .

پیامدهای دنیوی ندامت در اغلب موارد خوب و خیر است زیرا خاصیت ندامت در دنیا ایجاد پشیمانی است که می تواند فرد را به سمت توبه و اصلاح و هدایت سوق دهد اما در برخی موارد نیز مثل کسانی که اموال خود را از دست دادن ندامتشان تنها برایشان حسرت داشته است و اگر هم توبه یا اصلاحی صورت گرفته در داستان ذکر نشده است.

۱. توبه

یکی از مهمترین پیامدهای ندامت در دنیا توبه است و این بهترین خاصیت ندامت و بهترین پیامد آن است.

ندامت اگر در قلب سالم اتفاق بیفتد مسیر توبه را انتخاب خواهد کرد. شخص نادم همین که از عمل خویش پشیمان شود و قباحت آن عمل را درک نماید و بیزار شود از آن در مسیر توبه قرار خواهد گرفت[۱]در داستان حضرت یونس پیامبر بزرگ الهی نمونه ای از بهترین پیامدهای ندامت ذکر شده است. قوم حضرت یونس از جمله مردمانی بودند که تا فرصت باقی بود نادم شدند و از این ندامت به توبه رسیدند و از عذاب نجات یافتند. خود حضرت یونس نیز به خاطر تعجیل در عذاب خواستن برای قومش نادم شد و پیامد ندامت او توبه بود.

حضرت یونس(ع) از جمله انبیا بود که از ندامتش در قرآن یاد شده است. «یونس» نام سوره‌ی دهم از قرآن کریم است که یکی از انبیای بنی اسرائیل بود و بعد از حضرت سلیمان ظهور کرد. [۲]در اعلام دهخدا آمده که او پسر متّی ملقب به ذوالنون به معنی صاحب ماهی بود. [۳]او از ناحیه پدر از نواده‌های حضرت هود و از ناحیه مادر از بنی اسرائیل بود[۴].

یونس مدت ۳۳ سال قوم خود را به سوی خدا دعوت کرد اما جز دو نفر که یکی عالم و دیگری عابد بود کسی به او ایمان نیاورد. پس از این مدت، حضرت یونس به درگاه خداوند التجا برد که بر قومش عذاب فرستد و خداوند پذیرفت. او به همراه یار عابدش شهر را ترک کرد. اما آن عالم مومن در شهر ماند تا مردم را به توبه دعوت کند و از عذاب نجات دهد و سرانجام موفق شد:

«فَلَوْلاَ كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلاَّ قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ آمَنُواْ كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الخِزْيِ فِى الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ» :

چرا مردم هیچ قریه‌ای به هنگامی که ایمانشان سودشان می داد ایمان نیاوردند مگر قوم یونس که چون ایمان آوردند عذاب ذلت در دنیا را از آنان برداشتیم و تا هنگامی که اجلشان فرا رسید از زندگی برخوردارشان کردیم.

---

[۱] – حسنی، علیرضا، توبه در قرآن و سنت، ص ۱۸، بیجا، نشر رایزن، ۱۳۷۸.

[۲] – آلوسی، روح المعانی، پیشین، ج۷، ص ۱۸٤.

[۳] – دهخدا، لغتنامه دهخدا، پیشین، ذیل «یونس».

[٤] – عمادزاده، عمادالدین حسین، تاریخ انبیاء، ص٦٨٦

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

در این داستان هم قوم یونس از ندامت خویش سود بردند و با توبه از عذاب الهی نجات یافتند و هم حضرت یونس توانست از ندامت خویش بهترین بهره را ببرد.

حضرت یونس ابتدا قومش را رها کرد و با خشم از آنها دور شد تا معذب به عذاب الهی شوند، اما قوم او توبه کردند و او خود گرفتار ابتلای الهی شد و مردم او را به دریا انداختند و طعمه کوسه شد. او که متوجه شد به خاطر تعجیل و ترک اولی دچار اشتباه شده است، نادم شده و توبه کرد:

«وَذَا النّونِ اذ ذَهَبَ مُغضِبًا فَظَنَّ ان لَن نَقدِرَ عَلَیهِ فَنَادی فِی الظُّلُمتِ ان لا الهَ الّا انتَ سُبحنَکَ انّی کُنتُ مِنَ الظلِمین»[1]

و ذوالنون را(یاد کن)، آنگاه که خشمناک برفت و پنداشت که هرگز بر او تنگ نمی‌گیریم و در تاریکی ندا داد: هیچ خدایی جز تو نیست ، تو منزه هستی و من از ستمکاران هستم.

در این آیه عبارت «انی کنت من الظالمین» گویای مفهوم ندامت است. اعتراف به ستمکاری و التجای به درگاه الهی، نشانه پشیمانی یونس علیه‌السلام از عمل خشم آلود خویش نسبت به قومش است[2] البته ندامت او با توبه واقعی و در همین دنیا اتفاق افتاد لذا خداوند نیز او را مورد مغفرت قرار داد:

«فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّیْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذَلِکَ نُنجِی الْمُؤْمِنِینَ »[3]

«دعایش را مستجاب کردیم و او را از اندوه رهانیدیم و مؤمنان را، اینچنین می‌رهانیم.

بنابراین در این داستان قرآنی پیامدهای ندامت هم برای پیامبر خدا و هم برای قوم او که نفرین شده بودند ، توبه ، اصلاح و نجات از عذاب الهی بود و این یکی از داستانهای امیدبخش در حوزه ندامت در قرآن است که نشان می دهد در حساسترین شرایط هم می توان با توبه و اصلاح به مسیر رضایت الهی بازگشت و از ندامت سود برد و ندامت لزوما مایه حسرت و پشیمانی طولانی مدت یا ابدی نیست که نتوان مشکل آن را حل نمود. و همیشه خداوند درهای امیدواری و رحمت را به سوی بندگان تائب خود گشوده است.

۲. اصلاح خویشتن

داستان ملیکه سبا نیز یکی از داستانهای قرآنی است که پیامدهای ندامت را در حوزه اصلاح و رستگاری نشان داده است. ملکه به معنی پادشاه زن، شهبانو و همسر پادشاه است. [4]مراد از ملکه در اینجا زنی به نام بلقیس است که در سرزمین سبأ سلطنت می‌کرد. و سبأ نام شهری است که بلقیس پادشاه آن شهر بود. [5] سبأ، سرزمینی است در یمن و شهر آن «مارب» و بین آن و صنعاء صد روزه راه بوده است. [6]ملکه سبأ تا قبل از آشنایی با حضرت سلیمان از مشرکین بود، پس از آنکه با آن حضرت و منطق توحیدی او آشنا شد به خاطر گذشته شرک آلود خود اظهار ندامت کرد.

---

[1] – سوره انبیا، آیه ۸۷.

[2] – هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، پیشین، ج۳، ص ٤١١.

[3] – سوره انبیا، آیه ۸۸.

[4] – عمید، فرهنگ عمید، پیشین، ذیل «ملکه».

[5] – دهخدا، لغتنامه دهخدا، پیشین، ذیل «سبا»

[6] – یاقوت حموی، معجم البلدان، ص۳۸۱، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۸۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

در سوره نمل داستان مردمی در سرزمین سبا آمده که آفتاب پرست بودند و تحت فرمان زنی به نام بلقیس قرار داشتند. حضرت سلیمان برای آنان نامه‌ای فرستاد و ایشان را به دین خداوند خواند. بزرگان قوم پس از مشورت، به این نتیجه رسیدند که خود را تسلیم حضرت سلیمان کنند. ملکه سبا وقتی به قصر سلیمان درآمد تخت خود را در آنجا دید و متعجب شد. پس از آن وقتی از آبگینه‌ای عبور می کرد، دامن خود را برگرفت تا در آب نیفتد اما آن، آبگینه ای شیشه‌ای بود که از روی آن عبور می‌کرد.[۱]ملکه سبا که تحت تاثیر آن همه شکوه و عظمت قرار گرفته بود نادم شده و ندامت خویش را اظهار کرد:

«قیلَ لَهَا ادخُلِی الصَّرحَ فَلَمّا رَاتهُ حَسِبَتهُ لُجَّةً وکَشَفَت عَن ساقَیها قالَ انَّهُ صَرحٌ مُمَرَّدٌ مِن قَواریرَ قالَت رَبِّ انّی ظَلَمتُ نَفسی واسلَمتُ مَعَ سُلَیمنَ لِلَّهِ رَبّ العلَمین». [۲]

به او (بلقیس) گفته شد: وارد قصر شو! پس چون آن را دید، پنداشت برکه آبی است، جامه از ساق پایش برگرفت، (تا تر نشود. سلیمان به او) گفت: (این جا آبی نیست،) بلکه قصری از شیشه و بلور صیقلی است. (ملکه‌ی سبا) گفت: پروردگارا! من به خودم ظلم کردم و (اکنون) همراه سلیمان، در برابر پروردگار جهانیان سر تسلیم فرود آورده‌ام.[۳]

اقرار به ستم بر نفس و التجای به ربوبیت پروردگار، نشانه پشیمانی ملکه سبأ از گذشته شرک آلود خویش است. [٤]هنگامی که ملکه سبا، این صحنه را دید گفت: پروردگارا! من بر خویشتن ستم کردم!و با سلیمان در پیشگاه اللّه، پروردگار عالیمان، اسلام آوردم. من همراه رهبرم سلیمان به درگاه تو آمدم، از گذشته پشیمانم و سر تسلیم به آستانت می‌سایم[۵].

او در اثر این ندامت راه اصلاح در پیش گرفت و علاوه بر خود قوم خود را نیز هم در دنیا از گرفتار شدن به جنگی سخت و مغلوب کننده نجات داد و هم از عذاب آخرت رهایی شان بخشید.

۳. مغلوب شدن

قرآن از محرومیت کسانی خبر می دهد که اموالشان را در راه باطل صرف کردند تا مردم را از راه خدا بازدارند قرآن گویا از یک قانون معنوی پرده بر می دارد و می فرماید این افراد همه اموالشان هدر خواهد رفت و سرانجام شکست خواهند خورد. سپس در قیامت و آخرت نیز گرفتار عذاب خواهند شد.

«إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا یُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِیَصُدُّوا عَنْ سَبِیلِ اللَّهِ فَسَیُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَکُونُ عَلَیْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ یُغْلَبُونَ وَالَّذِینَ کَفَرُوا إِلَی جَهَنَّمَ یُحْشَرُونَ»[٦]

---

[۱] – قرائتی، تفسیر نور، پیشین، ج٦، ص٤٢٨.

۱– سوره نمل، آیه ٤٤.

[۳] – قرائتی، تفسیر نور، پیشین، ج٦، ص ٤٢٨.

[٤] – هاشمی رفسنجانی، فرهنگ قرآن، پیشین، ج ۳۰، ص ٤١٠.

[٥] – مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ج۳، ص٤٢٤.

[٦] – سوره انفال، آیه ٣٦.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

بی گمان کسانی که کفر ورزیدند اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت سپس مغلوب می شوند و کسانی که کفر ورزیدند به سوی دوزخ گردآورده خواهند شد.

در این آیه مغلوب شدن پس از ندامت و حسرت ذکر شده است و از پیامدهای آن می تواند باشد.

مفسرین، این آیه را اشاره‌ای به خرج‌های زیاد کفار در جنگ بدر که نهایتا به شکستشان انجامید می دانند، اما جامعیت این آیه را برای همه افراد درکمکهای مالی خود برای پیشرفت مقاصد شومشان می دانند و معتقدند این صرف اموال هیچگاه برایشان پیروزی نمی آورد و نهایتا موجب محروم ماندن و مغلوب شدنشان خواهد بود. [1]

«تکرار جمله‌ی «الَّذِينَ كَفَرُوا» شاید برای آن باشد که برخی از کفار سرمایه گذار، بعداً مسلمان شدند و حسرت پول‌های خرج شده را می‌خوردند»[2]هم می تواند به این معنی باشد که هرکه مال در راه جلوگیری از اشاعه دین خدا صرف کند نهایتا در هدف خود شکست خورده و مالش نیز هدر می‌رود و افسوس خواهد خورد. برخی نیز این مغلوبیت را مربوط به آخرت می دانند:

«مغلوبیّت کفار بعد از صرف مال و جمع‌آوری لشگر برای آنستکه ممتاز کند خدا آنها را از مسلمانان بمغلوبیّت، و آنها را یک جا جمع نموده رویهم نهاده وارد جهنم نماید و در هر حال خسران کامل نصیب آنها شد که از مالشان استفاده ننمودند و از خیر دنیا و آخرت محروم شدند و بعذاب ابدی گرفتار گردیدند»[3]

عبارت «ثم تکون علیهم حسره» گویای ندامت آنها در هر دو دنیا است. کافران اموال خود را برای بازداری مردم از دین خدا خرج می‌کنند اما این هدررفت مال جز ندامت و حسرت چیزی برایشان نخواهد داشت. نه اجری می‌برند که در آخرت پاداش یابند و نه در دنیا به هدف خود می رسند.

بنابراین تدارک چیان باطل ابتدا دچار حسرت هدررفت اموال خویش می شوند و در نهایت مغلوب هم می شوند و این خرج اموال آنها را نه در دنیا و نه در آخرت بهره ای نمی رساند.

٤. حسرت و افسوس دنیوی

برخی از داستانهای قرآن حسرت و افسوس کسانی را ذکر می کند که به دلیل خسارتهای مالی دچار ندامت شده اند و به خاطر آن به رنج حسرت در دنیا مبتلا گشته اند. از جمله از زارعانی می گوید که وقتی محصولات خود را نابود شده می بینند بسیار افسوس می خورند.

محصول به معنای درود حاصل؛ خرمن و توده است همچنین به معنای غله و مجموع آنچه از چیزی به دست آید؛ آنچه از راه کشاورزی و باغداری حاصل شود است.[4]

---

[1]– مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، پیشین، ج۲،ص ۱۵۲.

[2] – قرائتی، تفسیر نور، پیشین، ج۳، ص۳۱٤.

[3] – ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، نشر برهان، ۱۳۹۸ق، ج۲، ص۵۳۳.

[4] – دهخدا، لغتنامه دهخدا، پیشین، ذیل «محصول».

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

در سوره واقعه، خداوند، خود را زارع واقعی می‌داند و می‌فرماید وقتی زراعتشان را بسوزانیم و خاشاک کنیم، فریاد ندامتشان بلند می شود و خود را محروم می نامند:

«ءَانتُم تَزرَعونَهُ ام نَحنُ الزّارِعون ء لَو نَشاءُ لَجَعَلنهُ حُطمًا فَظَلتُم تَفَكَّهون انّا لَمُغرَمون بَل نَحنُ مَحرومون»[۱]:

آیا شما آن را [بی‌یاری ما] زراعت می‌کنید یا ماییم که زراعت می کنیم اگر بخواهیم قطعا خاشاکش می‌گردانیم پس در افسوس [و تعجب] می‌افتید [و می‌گویید] واقعا ما زیان زده ایم بلکه ما محروم شدگانیم.

«حطام» به معنی شکستن و خرد شدن و «تَفَكّهُونَ» به معنای میوه خوردن، فکاهی گفتن و تعجب و پشیمانی آمده است.[۲]«تفکهون» از ماده فاکهۀ به معنی میوه است، سپس فکاهت به مزاح و شوخی و گفتن لطیفه‌ها که میوه جلسات انس است اطلاق شده، ولی این ماده گاهی به معنی تعجب و حیرت نیز آمده، و آیه مورد بحث از این قبیل است.

این احتمال نیز وجود دارد همانگونه که انسان به هنگام خشم گاهی می‌خندد که نام آن را خنده خشم می‌گذارند در هنگام مصائب سخت و سنگین نیز به شوخی بپردازد بنابراین منظور شوخی به خاطر مصیبت است.»[۳]

برخی نیز گفته‌اند: احتمال دارد که «تفکهون» به معنای ندامت وتأسف باشد.[٤]«مغرمون» از ماده «غرامت» به معنی زیان کردن، و از دست دادن وقت و سرمایه است. و برخی آن را الزام به پرداخت غرامت دانسته‌اند.[٥]

بنابراین هم در معنای تفکهون و هم در معنای مغرمون و هم در واژه محرومون، ردی از ندامت و افسوس دیده می‌شود. وقتی فردی به ضرر و زیان خود اعتراف می کند و خود را محروم می‌نامد، ندامت و حسرت خود را آشکار کرده است. این آیه حسرت دنیوی نادمان را به صراحت ترسیم کرده است.

یک اصل کلی و عقلایی هم هست که ضرر همیشه با حسرت همراه است. مخصوصا اگر انسان به خاطر اشتباهات خود دچار ضرر و زیان و غرامت شود، قطعا افسوس خواهد خورد. در قرآن در مثال باغدار مستکبر و صاحبان باغ سوخته هم، به صورت مصداقی و عینی شاهد حال کسانی هستیم که به خاطر اشتباهات خود، محصولات کشاورزی خود را از دست دادند و دچار ندامت شدیدی شدند. البته این امر خاص محصولات کشاورزی نیست، و مسلما هر نوع محصول و دسترنجی که آدمی به خاطر اشتباهاتش از دست دهد را شامل می شود. و ندامت همواره با زیان آمیخته خواهد بود.

از دیگر نادمانی که قرآن حسرت و افسوس دنیوی را از پیامدهای ندامتشان عنوان کرده است کسانی هستند که پیوندهای دوستانه با دشمن برقرار کردند ولی از این پیوندها دچار خسارت شده و افسوس خوردند.

«فَتَرَى الَّذينَ فی قُلوبِهِم مَرَضٌ يُسرِعونَ فيهِم يَقولونَ نَخشى ان تُصيبَنا دائرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ ان يَأتِيَ بِالفَتحِ او امرٍ مِن عِندِهِ فَيُصبِحوا عَلى ما اسَرّوا فی انفُسِهِم ندِمين»[٦]:

---

[۱] – سوره واقعه، آیات ٦٧-٦٤.

[۲] – قرائتی، تفسیرنور، پیشین، ج۹، ص ٤٣٦.

[۳] – مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، پیشین، ج۲۳، ص ۲۵۰.

[٤]– مجمع البیان، ج ۹– ۱۰، ص ۳۳۷).

[٥] – مغنیه، تفسیر کاشف، پیشین، ج۷، ص ۲۲٦.

[٦] – سوره مائده، آیه ۵۲؛ این آیه در مبحث بیماردلان در فصل اول همین بخش ترجمه و توضیح داده شد.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

بیماردلان را می‌بینی که در [دوستی با یهود و نصاری]، بر یکدیگر پیشی می‌گیرند، و می‌گویند: «می‌ترسیم حادثه‌ای برای ما اتفاق بیفتد [و نیاز به کمک آنها داشته باشیم] شاید خداوند پیروزی یا حادثه دیگری از سوی خود [به نفع مسلمانان] پیش بیاورد؛ و این دسته، از آنچه در دل پنهان داشتند، پشیمان گردند!

یسارعون فیهم: به سرعت به سمت آنها می شتابند، که مراد دوستی با مشرکان است. فیصبحوا: پس خواهند شد. اسرّوا، از مصدر اسرار به معنی کتمان کردن و آشکار کردن، و به اصطلاح از لغات اضداد است.[1]

خلاصه آنکه کسانی که با عجله و شتابان برای دوستی با مشرکان شتافتند، سرانجام به خاطر فتح جبهه ای که بخاطر دوستی با دشمنان خداوند، ترکش کرده بودند، دچار ندامت شدند.

در این آیه، دخالت مساله دوستی با مشرکین در ایجاد ندامت روشن است. چنانچه بیماردلان به خاطر دوستی با مشرکین از شرکت در جنگ سرباز نمی زدند، دچار افسوس و محرومیت نمی شدند و اکنون مجبور به اختفای ندامت خود نبودند. بنابراین کسانی که می‌شتابند به سوی دوستی با مشرکان تا به خیال خودشان از بلایی دیگر نجات پیدا کنند طبق فرمایش روانشناسانه و پیشگویی صحیح قرآن، به محض آنکه پیروزی رقیب را ببینند دچار حسرت و ندامت می‌شوند هر چند ندامتشان را مخفی کنند. پس یکی از راههای نجات از ندامت قطعی، اشتیاق نداشتن به دوستی و همکاری با دشمنان خداوند است.

نتیجه گیری

از بررسی آیات قرآن به دست می‌آید که همواره و در بین اقشار مختلف بنی آدم، نادمانی وجود داشته‌اند که دچار ندامت شده و این ندامتها مرهون عواملی بوده اند که گاهی بد یا بسیار بد و گاهی مانند ترک اولی برای یک پیامبر است در هر حال موجب پشیمانی و ندامت شده و به دنبال آن پیامدهایی برای آنها داشته است. در این پژوهش سعی شد تا به پرسشهای زیر پاسخ داده شود.

دراین اثر به پاسخ این پرسش پرداخته شده که پیامد های دنیوی ندامت از منظر قران چیست؟ در پاسخ به پرسش فوق این نتیجه حاصل شد که پیامدهای دنیوی ندامت می تواند شامل توبه و ترک گناه و اصلاح رفتار و کردار باشد البته در قرآن در مواردی هم پیامدهای ندامت بی حاصل برای از دست دادن اموال دنیوی ذکر شده است. بنابراین پیامد برخی از ندامت ها در دنیا حسرت و افسوس است. در کل ندامت در دنیا برای نادمان اتفاق خوبی است و در بیشتر موارد به خیر و صلاح فرد است و موجب درک و فهم اشتباه و تغییر رفتار خطا می گردد.

[1] – عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ج۳، ص ۲۹۵، مصحح: علی اکبر غفاری، کتابفروشی صدوق، تهران، ۱۳۶۰ش.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]

منابع

۱) دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ش.

۲) شعرانی، محمد قریب، نثر طوبی (دائره‌المعارف الفاظ قرآن کریم)، تهران، دار الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.

۳) عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، مصحح: علی اکبر غفاری، کتابفروشی صدوق، تهران، ۱۳٦۰ش.

٤) عمید، حسن. فرهنگ عمید. چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳٦۳ش.

۵) قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم.

٦) مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، مرکز نشر کتاب، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

۷) مغنیه، محمد جواد، تفسیر کاشف، مترجم: موسی دانش، بوستان کتاب، قم، ۱۳۷۸ش.

۸) مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه ، دارالکُتُب الإسلامیّه، تهران، ۱۳۷٤ش.

۹) نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱۰) هاشمی رفسنجانی و برخی از محققان مرکز فرهنگ ومعارف قرآن، فرهنگ قرآن، موسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸٤ش

۱۱) راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی الفاظ القرآن الکریم، چاپ اول، دارالقلم، بیروت، ۱٤۱۲ق.

۱۲) یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، سازمان میراث فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ش.

۱۳) حسنی، علیرضا، توبه در قرآن و سنت، بیجا، نشر رایزن، ۱۳۷۸

۱٤) آلوسی، سیّد محمود. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیّه. ۱٤۱۵ق.

۱۵) منصوری رامسری، خلیل، حسرت و افسوس از نگاه قرآن، دانشنامه موضوعی قرآن، سایت معارف قرآن.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-09]